



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سخنراڻي

فاطميه روح غدير

«جلسه دوم»

حجة الاسلام حامد كاشاني

موسسه تحقيقات رايانه‌اي فاطميه اسفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمیه روح غدیر

نویسنده:

حامد کاشانی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	فاطمیه روح غدیر - جلسه دوم
۶	مشخصات مقاله
۶	اشاره
۶	ظاهر مالی و باطن ولایی مسئله ی فدک
۹	مقایسه ی اهمّیت غدیر و فاطمیّه
۱۰	فقدان برهان در جواب مسئله ی حضرت زهرا سلام الله علیها
۱۵	بیان موسی بن جعفر برای ماجرای فدک
۱۸	معنای وحدت در جامعه ی اسلامی
۲۱	علم داری فاطمه سلام الله علیها در مسئله ی ولایت
۲۵	درباره مرکز

دومین جلسه از مراسم ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، روز سه شنبه مورخ 01 اسفند 1396 در دفتر نماینده ولی فقیه در استان البرز با سخنرانی «حجت الاسلام کاشانی» پیرامون موضوع «فاطمیه روح غدیر» برگزار گردید که مشروح آن تقدیم می گردد.

* نکته: موضوع «فاطمیه روح غدیر» مختصری از جلسات موضوع «فاطمیه ناموس تشیع» می باشد.

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی - گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

اشاره

صوت

Your browser does not support the audio tag.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أُوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (1).

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (2).

«إِلَهِي وَانْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهَمْنِي التَّوْبَى» (3).

ص: 1

1-1 - سوره ی غافر، آیه 44 /

2-2 - سوره ی طه، آیات 25 تا 28 /

3-3 - الصحیفه السّجّادیّه، ص 98 /

ظاهر مالی و باطن ولایی مسئله ی فدک

عرض تسلیت به پیشگاه حضرت حجّت روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه.

عرض کردیم سه سؤال برای ما مطرح است و با توجه به این که امروز روز شهادت زهرا اطهر است تتمّه ای هم برای امروز داریم. سه سؤال داریم؛ اول این که اگر ماجرای فاطمیّه یک ماجرابی است، یک مراسمی است، مناسکی است که خیلی اهمّیت ندارد آن را کنار بگذاریم، این قدر حسّاسیّت درست نکنیم. واقعاً مسئله ی حسّاسی است. یک وقت من بعضی از بهتان هایی را که به اهل بیت نسبت می دادند یک جایی عرض می کردم، عزیزی اعتراض کرد چرا این بهتان ها را می گویی؟ می گفت بهتان است، توهین است. عرض کردم بله،

ما ناراحت هستیم، ولی خداوند این کار را انجام داده، خداوند بهتان هایی که به حضرت مریم زده اند را فرموده برای این که ما بتوانیم تحلیل کنیم.

ما محضر شما عرض کردیم در بهترین و تمیزترین حالت ما هر چه بخواهیم مسئله ی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها با خلیفه ی اول را بیان کنیم، در هر صورتی، مسئله دو صورت بیشتر ندارد.

ص: 2

ایشان تقاضا کرده زمین من را پس بدهید و ظاهر مالی مسئله را هم حضرت حفظ کرده است. بله، بنده هم مثل شما معتقد هستم مآل پشت سر آن مسئله ی ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است، ولی حضرت برای این که همه ی افکار عمومی اصل مسئله را متوجه شوند، حتی طرفداران حکومت. حضرت می فرماید: باغ ما را بدهید هزینه ی زندگی فرزندان من، حسنین من است. حضرت مسئله را مالی مطرح می کند، هر جای دنیا، هر کسی قدری دین دار باشد - خیلی هم دین دار نه - وقتی به او بگویند در این مسئله روایتی است که حق شما سلب می شود، طبیعتاً باید بپذیرد.

به هر کدام از ما بگویند شما استثنائاً از این حق محروم هستید، چه می فرمایید؟ می گوئیم چرا؟ می گویند امام صادق فرموده است. ما هم می پذیریم، دعوا نمی کنیم. قهر کردن یعنی نپذیرفتن، یعنی برای این که مالی، باغی که برای من نیست، دستور پیغمبر هم روی آن است من نپذیرم، نستجیر بالله این یعنی چشم داشت به اموال مردم. این یک طرف قضیه است که برای غیر شیعه این هم قابل تحمّل نیست، چون زهرای اطهر سلام الله علیها از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

آن طرف قضیه هم این است که حضرت زهرا این روایت را روایت نمی دانست که قهر کرده، یعنی غصب کردید به دروغ هم یک روایت به پیغمبر نسبت می دهید که این غصب را تئوریزه کنید. هم غاصب هستید هم دروغگو هستید. برای همین قهر کردند. ما هر چه این را مؤدبانه، به صورت محترمانه مطرح کنیم مسئله خیلی... اصلاً همین مشکلی که شما به تن کرده اید تنش زا است، برای چه

مشکی به تن کرده اید؟ اگر مسئله این قدر مهم نیست از آن دست برداریم. باور کنید اگر فقط بیت رهبری مراسم فاطمیّه نگیرد عربستان حاضر است خیلی عقب نشینی کند، فقط با همین. نه همه ی مراسم ها را تعطیل کنید، بگویید بیت مراسم نگیرد، چون این جا خیلی حسّاس است. چرا شما از این مسئله دست برنمی دارید با این که اهل وحدت هم هستید؟

مقایسه ی اهمّیت غدیر و فاطمیّه

برای این که این مسئله زّرادخانه ی فکر تشیّع است، روح غدیر است. عرض کردیم اگر ما را مضطرّ کنند، بگویند یا برای غدیر برنامه نگیرید یا برای فاطمیّه برنامه نگیرید ما حاضر هستیم برای غدیر برنامه نگیریم، چون غدیر جنبه ی ایجابی دارد، با آن همه اهمّیت. من می خواهم عظمت فاطمیّه را بگویم، جایگاه غدیر معلوم است، اصلاً وقتی انسان مقایسه می کند با یک امر مهم مقایسه می کند. این که می گویند این کار را انجام بدهی ثواب حج دارد چون ثواب حج روشن است آن را مقایسه می کنند، ثواب بنده آزاد کردن دارد چون ثواب بنده آزاد کردن معلوم است. مسئله ی غدیر ایجابی است که چه کسی مولا است؟ اما در فاطمیّه چون دو گزینه کاندیدای مسئله ی خلافت هستند و مدّعی هستند، شما اگر یکی را حذف کنید دیگری طبیعتاً اثبات می شود، چون حالت سوومی ندارد.

در مسئله ی فاطمیّه حضرت زهرا سلام الله علیها با سلب مشروعیت از یک طرف ماجرا اثبات ولایت کردند، لذا روح غدیر است و مؤثّرتر از غدیر است. اصلاً این تدبیر رسول خدا بوده، کنار 23 سال تلاشی که برای معرّفی امیر المؤمنین صلوات الله علیه کردند جریان دیگری را هم به عنوان ضمانت قرار دادند که اگر آن خاکریز شکست خورد خاکریز

بعدی حفاظت کند. برای همین است که اهمّیت دارد، نمی شود از آن دست برداشت.

عرض کردم ما 17، 18 سالی است در بحث غدیر کار می کنیم، بحث های غدیری مفصّل است، ما سال اخیر در یک جایی یک بحث غدیر شروع کردیم 16، 17 جلسه است هنوز از سند بیرون نرفته ایم وارد متن شویم. بحث که این طور طول می کشد می گویند بحث ها مختلفی است. نمی گویم ما آن جا جواب نداریم بدهیم، الحمدلله حرف برای گفتن داریم، بزرگان برای ما خیلی حرف ها به یادگار گذاشته اند. اما مسئله ی حضرت زهرا سلام الله علیها خیلی زود جواب می دهد. من هرگز ندیدم عالم غیر شیعی در بحث حدیث ثقلین، حدیث غدیر، حدیث منزلت از حالت خود بیرون بیاید و فحاشی کند. اما در مسئله ی حضرت زهرا سلام الله علیها این حالت وجود دارد.

چرا خدا در قرآن ناسزا به حضرت مریم را نقل کرده است؟ «ما كان أبوكِ امرأً سوءً و ما كانتُ أمّكِ بغيًّا». (1) نه پدر تو این کار را انجام می داد نه مادر تو - نستجیر بالله - اهل فحشا بود. چرا قرآن این را می گوید؟ «لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيًّا»، (2) - نستجیر بالله - به خود او نسبت دادند. آخوندهای یهودی برای خودشان دگّان درست کرده بودند، اگر بحث بود این ها در بحث کم نمی آوردند. ولی حضرت مریم یک اعجازی، یک آیتی آورد، طفل در گهواره سخن می گفت، آن ها دیگر برهان نداشتند پاسخ بدهند. وقتی برهان نداشتند باید ناسزا بگویند. قرآن هم ناسزای آن ها را نقل کرده، این علامت بیچارگی است. علامت ضربه ای است که خورده است، صدای فریاد از روی درد است که این طور ناسزا می گوید و کار تمام است.

فقدان برهان در جواب مسئله ی حضرت زهرا سلام الله علیها

در موضوع

ص: 5

1-4- سوره ی مریم، آیه 28 /

2-5- همان، آیه 27 /

حضرت زهرا سلام الله علیها دقیقاً مسئله همین طور است. شما در بحث غدیر هر چه طولانی بحث کنید طرف مقابل دشنام نمی دهد، شما یک چیزی می گوئید او هم یک چیزی جواب می دهد، باز شما پاسخ می دهید. کسی اهل انصاف باشد چه بسا متوجه می شود حق با چه کسی است، ولی او خود را به زحمت نمی اندازد. ولی مسئله ی حضرت زهرا سلام الله علیها این طور نیست، چون ما مسئله را تصویر کرده ایم یا یک طرف دنبال اموال بیت المال است، چشم به اموال مردم دارد، یا یک طرف دروغ و غصب مرتکب شده است. اگر طرف دوم را بخواهد بگوید شما مثلاً یک ملک وقفی 20 متری در کرج داشته باشید، آیا به غاصب کذاب تولیت وقف یا امانت می دهید که به حکومت اسلامی بدهد؟ یک جای خیلی بی اهمّیت را دست او می سپارید؟ این کار را انجام نمی دهید.

او می بیند اگر بخواهد این را بپذیرد خیلی اوضاع خراب است، می آید به حضرت زهرا سلام الله علیها دشنام می دهد، چون برهان ندارد، گرفتار است. این که می گوید به خانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها ریختند که اموال مردم را بگیرند و پس بدهند این دشنام صریح است، باید چه بگویند؟ این همان «لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيئاً» است که یک ناصبی می گوید، قرآن هم می فرماید: «وَبِكْفُرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَاناً عَظِيماً» (1) ما هم این جا می گوئیم «وَبِكْفُرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى فَاطِمَةَ بُهْتَاناً عَظِيماً». جز ناصبی این حرف را نمی گوید، نواصب این طور می گویند، ابن تیمیه می گوید.

عبد العزیز دهلوی یک جمله ای می گوید، این را جزء فضائل آورده است، این خیلی عجیب است. این نشان می دهد شما نگاه نکنید

ص: 6

رسانه‌ی دشمن به اسم فضیلت صحبت می‌کند، ببینید چه می‌گوید. به عنوان فضائل خلفا عبد‌العزیز دهلوی می‌گوید، پدر و پسر، اسم پدر او هم شاه ولی‌الله دهلوی است، خیلی در شیعه کشتی هندوستان و عراق نقش داشته است. در فضائل خلیفه می‌گوید: او این قدر شجاع بود... این را حافظ ابراهیم به شعر تبدیل کرده است: «وَقَوْلَةٌ لِعَلِيٍّ قَالَهَا عُمَرُ»، این را به شعر درآورده است. می‌گوید: این قدر مرد بود که توانست برود و بگوید. چرا؟ می‌گوید: چون وقتی دید - نستجیر بالله - اراذل و اوباش در خانه‌ی فساد جمع شده‌اند...

این را همه نمی‌گویند، بقیه انکار می‌کنند، کسی که می‌بیند نمی‌شود موضوع را انکار کرد وارد فضای فحاشی می‌شود. این آثار الآن موجود است، این که خاندان عبقات در مجموع بیش از 100 جلد کتاب در ردّ حرف‌های عبد‌العزیز دهلوی نوشته‌اند به خاطر توهین‌هایی است که کرده و اثری که در شیعه کشتی در هند داشته است. ما متأسفانه آثار این خانواده را هنوز چاپ نکرده‌ایم، زحمت را او کشیده ما هنوز صلاح ندانسته‌ایم این آثار را چاپ کنیم. بعضی جاها ولی‌فقیه 15 سال پیش 100 میلیون کمک کرده است، بودجه هم وجود دارد، علاقه وجود ندارد.

ولایت امیر المؤمنین علیه‌السلام بین ما غریب است، هنوز غدیر نشده ما روزشمار عاشورا می‌زنیم. غدیر برای ما مهم نیست که برای دنیا مهم نیست. شأن جلسه نیست من حرف عادی بگویم، ولی عرض می‌کنم. یک جایی معطل شدم به جلسه دیر رسیدم، سر کوچه یک صف طولانی بود که آجیل بخرند. گفتم پیشواز یک ماهه؟ آجیل برای کجا؟ لابد برای نوروز است. ما یک

دهم این چیزی که برای نوروز آماده می شویم برای غدیر ابداً مهیّا نمی شویم. غدیر برای ما مهم نیست که برای عالم مهم نیست، ولی برای حضرت زهرا سلام الله علیها مهم است. خود را و فرزندان خود را فدای امیر المؤمنین علیه السلام می کند، برای او مهم بود. ما که می گویم بزرگان را عرض نمی کنم، خود من خیلی کم کار هستم.

موضوع قیام زهرا اطهر سلام الله علیها به گونه ای است که این ها را دچار تناقض می کند. من یک نمونه از این تناقض را باز می کنم شما ببینید. همین فحاشی علامت بی دلیل بودن، گرفتار بودن است، وسط اقیانوس از درخت بالا رفتن است. کسانی که می گویند ابداً کسی حق ندارد به یار پیغمبر که او را یک ثانیه دیده یا یک بار دست او به پیغمبر خورده یا نابینا بوده از کنار پیغمبر یک مرتبه عبور کرده، اگر کسی به این شخص بگوید شجاع نیست باید او را زد. سیوطی یک ماجرای نقل می کند، من برای این که بگویم چقدر تفاوت رفتار وجود دارد، چرا باید با فاطمه ی زهرا سلام الله علیها این قدر متفاوت رفتار شود، چرا باید به او جسارت شود، این را می گویم. اوصاف خاصه ی او را کنار بگذارید، صحابی پیغمبر صلی الله علیه و آله که هست.

بعضی احکام مختص بانوان است، بعضی احکام مختص آقایان است. مثلاً شهادت زن نصف مرد است، یعنی اگر در یک مسئله ای یک مرد بخواهد شهادت بدهد نباید در بعضی مسائل فقه این طور است که دو نفر زن باید بیایند شهادت بدهند. یک نفر سؤال کند زن خاصی منظور است یا همه ی زن ها؟ پاسخ این است که

همه ی زن ها. طرف دارد فقه می نویسد، می گوید شهادت هر زنی نصف مرد است - من جزئیات مسئله ی فقهی را نمی خواهم بگویم - حتی اگر عایشه باشد. این یعنی چه؟ یعنی عایشه برترین زن است، ولو او هم باشد این حکم شرع است. شما توهین برداشت می کنید؟ اتفاقاً بوی فضیلت می دهد، می گوید برای هر زنی این حکم وجود دارد، حتی اگر عایشه ام المؤمنین باشد. این توهین نیست، این فضیلت است، به عنوان برترین زن. سیوطی می گوید: باید دهان این فرد را شکست که این طور اسم عایشه را می برد.

خانه ی علی بن ابی طالب و فاطمه ی زهرا علیهما السلام خانه ی اوباش است چطور؟ چرا متفاوت رفتار می کنی؟ چرا باید گریه ی حضرت زهرا سلام الله علیها تحمل نشود؟ مثلاً ایشان در یک گوشه ای گریه می کرد چه بود که با آن مخالفت می شد؟ چرا وقتی او از دنیا می رود در روایات معتبر آمده که هم عایشه ابراز شادی می کند هم تابوت او را تمسخر می کند؟ این فقط در منابع ما نیست. با شما چه کار کرده بود؟ چرا شما واکنش غیر از آنچه که نشان می دهید دارید؟ شما یک نمایی دارید، بحث های علمی، اصحاب پیغمبر عزیز هستند، اصلاً به ما اعتراض می کنید که چرا به همه ی اصحاب پیغمبر احترام نمی گذارید، حتی آن هایی که یک ثانیه پیامبر را دیدند؟

عبد الله بن مبارک که از ائمه ی حدیث و تابعین است می گوید عمر بن عبد العزیز خیلی عادل است، در حدّ عمر ثانی است یا «خامس خلفاء الراشدين» است، این طور می گویند. ایشان برتر است یا معاویه؟ می دانید معاویه جزء اصحاب برجسته نیست، بعد از فتح مکه و مجبور شدن مسلمان شد.

از او سؤال می کنند، می خواهم ببینید چرا عرض می کنم این ها دچار تناقض می شوند. می گوید: عمر بن عبد العزیز؟! از نظر آقایان می گویند عادل است و مهدی این امت است. می گوید: خیلی ناراحت شدم، این چه مثالی است که زدی؟ «العُبَّازُ»، (1) غباری که «الَّذِي دَخَلَ أَنْفَ فَرَسٍ مَعَاوِيَةَ»، غباری که داخل بینی اسب معاویه است از صد نفر مثل عمر بن عبد العزیز برتر است، یار پیغمبر را با کسی مقایسه نکنید. فاطمه ی زهرا سلام الله علیها با آن همه اوصاف جلیله را کنار بگذارید، صحابه که هست، خانه ی او خانه ی او یاش است؟! خانه ی او محلّ...

ابن تیمیه امام عربستانی ها است، خانه ی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها محلّ اموال مردم است که حبس شده است؟! چرا این جا از آن ادعاهای خارج می شوید؟ «بِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى فاطمه بُهْتَانًا عَظِيمًا». چیزی ندارند بگویند، کاری که زهرا ی اطهر کرده آبرویی باقی نگذاشته است. شما هر چه سعی کنید موضوع را خوب جلوه بدهید اصل موضوع را نمی توانید حذف کنید.

بیان موسی بن جعفر برای ماجرای فدک

همین که ما سیاه پوشیده ایم یعنی داریم به عدّه ای نسبت قتل می دهیم، چون مسئله مهم است. ما در طول تاریخ همواره در اقلیت بوده ایم، ائمه ی ما نمی خواستند این مسئله ها فراموش شود. ابداً اجازه نمی دادند. ده ها مثال داریم اهل بیت اجازه ی فراموشی نمی دادند. یکی از این ها کاری است که موسی بن جعفر انجام داده است. در بین ائمه ی ما موسی بن جعفر سلام الله علیه برای حفظ زهرا ی اطهر خیلی تلاش کرد، برای معرفّی کاری که حضرت زهرا سلام الله علیها انجام داده است. ایشان در دوره ی هارون است.

ما الآن چیزهایی می شنویم که بعضی مسئولین - نمی دانم این

ص: 10

بعضی اقل هستند یا اکثر هستند، خدا ما را این شاء الله نجات بدهد، در مهمانی ثروتمندان شرکت می کنند، در مجالس آن ها سگه سر داماد می ریزند. خدا این شاء الله آن مسئولینی که آبروی تشیع را می برند، دست آن ها در جیب بیت المال است، برای منافع شخصی، باندی، از دین خرج می کنند با قاتل حضرت زهرا سلام الله علیها محشور کند. آن هایی که خدمت دارند، نام و نشان دارند یا بی نام و نشان هستند اخلاص دارند، برای حفظ تشیع، برای حق، در هر حزب و باندی هستند برای حق کار می کنند، خدا آن ها را با یاوران امیر المؤمنین علیه السلام محشور کند.

هارون کسی نیست که سگه سر داماد خود بریزد، هارون این قدر فتوحات دارد ده ها رساله ی دکتری در مورد شخصیت او داریم. این را رهبر انقلاب حفظه الله هم فرموده اند. وقتی جعفر برمکی می آید که داماد هارون شود یک قوطی هایی از فلز درست می کنند، منتها سبک، چون سنگین باشد بزنند سر مردم می شکند. داخل این ها کاغذ می گذارند روی سر داماد می ریزند، مردم که برمی دارند داخل آن مثلاً نوشته خراج شهر فلان به مدت دو سال. سگه سر داماد خود نمی ریخت، استانداری فلان جا، انحصار واردات فلان، از این چیزهایی که الآن به هم می دهند آن هایی که ژن شان خوب است! او هم روی سر داماد می ریخت. یک سال به حج می رفت یک سال به فتوحات سر می زد، در زمان او بنی عباس در اوج شوکت و قدرت است و موسی بن جعفر سلام الله علیه در اوج خفقان است.

بحث چه بود؟ بحث این بود که ما از مسئله ی حضرت زهرا سلام الله علیها برای وحدت عقب نشینی کنیم یا

نکنیم؟ البته وحدت را باید بعداً توضیح بدهیم، ما قطعاً طرفدار وحدت هستیم. ولی گاهی بعضی فتنه گرها به اسم وحدت می خواهند بقیه را خراب کنند، یعنی یک تفسیری می گویند که صاحب آن کسی که می گوید وحدت، از آن راضی نیست. در حدّ این که در تهران جاهایی داریم یک کاغذ تسلّیت اجازه نمی دهند بزنید. کسی که وحدت می گوید مراسم فاطمیّه دارد، بفهمم او چه می گوید، او هم وحدت می گوید هم فاطمیّه می گیرد، او یک تقریری دارد که هم وحدت را قبول دارد هم نمی تواند دست از فاطمیّه بردارد.

قدرت و شوکت هارون این طور بود، بسیار فرد عجیبی بود. آمد برای خود مشروعیت کسب کند این همه ثروت را مردم می دیدند، تقریباً عمده ی جهان آن روز دست هارون است. اهل بیت به مردم می گفتند - پیغام می رسید- این شخص این همه پول دارد زمین ما را غصب کرده است. این خیلی بد است. می گویند تو هزاران میلیارد داری این پول کم من را... درست است که فدک اهمّیت دارد، به نسبت جهان اسلام که چیزی نبود. خیلی هم به دل مردم می نشیند، می گویند پیغمبر چقدر مظلوم است یک تگّه باغ را از فرزندان او گرفته اند، به مروان داد، به دیگری داد، این باغ را هم می داد. اصلاً برای این ها هم نیست این ها می گویند برای ما است، شما که این همه در اختیار دارید باغ را بدهید. هارون هم دید بد است در رسانه و افکار عمومی این طور می گویند.

در دیداری که با موسی بن جعفر در مدینه داشت گفت ما این فدک شما را بدهیم خلاص شویم، محلّ فدک را مشخص کنید تقدیم شما کنیم. همه این

قسمت را می دانید، حضرت فرمودند: نمی توانی بدهی. گفت: چرا نمی دهم؟ می دهم، حرفی بزنم روی حرف خود می مانم. فرمود: نمی توانی بدهی برای این که همه ی حکومت توفدک است. فدک نماد غضب و کذب است. نکته این جا است هارون کنار قبر پیغمبر سلام الله علیه آمد، گفت: یا رسول الله بین پسر تو دارد فتنه گری می کند وحدت جامعه ی اسلامی را به هم می زند.

معنای وحدت در جامعه ی اسلامی

آن وحدتی که همه دست به دست هم بدهند حق در جامعه مخفی شود وحدت نیست، توطئه است. وحدت نیست که شما حق و باطل را طوری ممزوج کنید حق روشن نشود. حق و باطل که با هم وحدت نمی کنند. وحدت برای جایی است که به حق کمک شود نه این که حق دفن شود. هارون به حضرت موسی بن جعفر اتهام زد، گفت: یا رسول الله ببینید این پسر شما دارد وحدت ما را می شکند، همه دارند به یک سمتی می روند... بله، با این تعبیر نگاه کنید سید الشهداء علیه السلام هم وحدت شکن است، عمده ی افکار عمومی آن زمان بالاخره در هر صورت با یزید بیعت کرده بودند. شما عقب نشینی کنید، اکثریت او را می خواهند.

وحدت آن جایی که حق بخواهد مخفی شود نیست، اتفاقاً این جا است که حق شهید می شود. اتهام موسی بن جعفر روحی له الفداه این بود که دارد وحدت شکنی می کند. نه، شما می خواهید مسئله ی قیام زهرا ی اطهر سلام الله علیها را نابود کنید، بگویید این زمینی که می گفتند دادیم، دعوا سر یک زمین بود. دعوا سر یک زمین هم بود، فقط زمین نبود، موسی بن جعفر عقب نشینی نکرد و متهم شد دارد در جامعه فتنه می کند. حقیقتاً

هم در جامعه ی بنی عباس فتنه کرد، حقیقتاً جامعه ی بنی عباس را به هم ریخت، حقیقتاً شکاف ایجاد کرد، شقاق ایجاد کرد. اگر ملاک هارون باشد هیچ فتنه ای مثل حضرت موسی بن جعفر برای او نبود، واقعاً همین طور است. رأس فتنه خود هارون بود، حضرت عقب نشینی نکرد.

بقیه ی ائمه هم همین طور هستند. من دوست دارم این چند جمله را عرض کنم، آن چیزی که خیلی ما امروز احساس نیاز می کنیم، بنده سال گذشته هم با یک تعبیر دیگری با عنوان نبود بنی هاشم عرض کردم، این مسئله را مفصل می شود بحث کرد. چه شد که علم داری دست حضرت زهرا سلام الله علیها افتاد؟ در این زمان حضرت زهرا جلودار و امام است، نه امیر المؤمنین علیه السلام. من چند مورد را سریع بگویم. همه ی نقل ها به جز یک نقل این است که خلیفه ی دوم برای آتش زدن خانه ی امیر المؤمنین و حضرت زهرا، حضرت زهرا را تهدید کرده است. هر جا را ببینید جز یک جا این است که می رود به حضرت زهرا می گوید: به خدا محبوب ترین فرد در این جامعه بعد از پدرتان شما هستید، «وَاللَّهِ مَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَبِيكَ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَبِيكَ مِنْكَ»، (1) ولی من خانه را روی سر شما آتش می زنم اگر علی و زبیر بیعت نکنند.

اگر علی و زبیر بیعت نمی کنند برو به خود آن ها بگو، برای چه به حضرت زهرا می گویی؟ حضرت زهرا در این موضوع چه نقشی دارد که او را تهدید می کنی؟ برو به علی و زبیر بگو، به آن هایی که متخلف از بیعت تو هستند بگو. این

ص: 14

را در ذهن داشته باشید حضرت زهرا تهدید می شود، در عمده ی نقل ها این طور است. مادامی که زهرا ی اطهر سلام الله علیها زنده است امیر المؤمنین علیه السلام بیعت نمی کند، نقل صحیح بخاری این است بعد از زهرا ی اطهر امیر المؤمنین بیعت کرد. یعنی مانع بیعت، علی علیه السلام نبود، مانع بیعت که بود؟ فاطمه ی زهرا سلام الله علیها بود. این دو مورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دو مرتبه در طول عمر شریف خود به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «انْفُذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ»، (1) یکی موقع وصیت است. دست حضرت زهرا سلام الله علیها را در دست امیر المؤمنین قرار داد، فرمود: «هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَوَدِيعَةُ رَسُولِهِ»، (2) این امانت خدا و رسول است، امانت خدا است یعنی برای من پیغمبر هم امانت خدا است، باید حواس خود را جمع کنم. «فَأَحْفَظِ اللَّهَ وَاحْفَظْنِي فِيهَا»، مراقب او باش. بعد فرمود: «انْفُذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ»، از دستورات فاطمه اطاعت کن. امیر المؤمنین هم شوهر است و هم امام است.

این را چند مرتبه از من شنیده اید، چون یاد بعضی از مسئولین می افتم که پشت به امام می کنند عقب نشینی می کنند خیلی منزجر می شوم. عموی پیغمبر آمد نگاه کرد، به امیر المؤمنین گفت: من بنی هاشمی ها را می شناسم، این چهره ای که من از فاطمه دیدم دیگر چیزی نمی ماند، فرصت را غنیمت بشمار، حیف است در جامعه ی اسلامی اختلاف و دعوا و درگیری باشد. گاهی بعضی افراد خیلی اخلاقی رفتار می کنند که روح دین را از بین ببرند. وقتی عثمان نماز شکسته در سفر را تمام خواند پیش بعضی عرفا آمدند، گفتند: نماز شکسته را تمام

ص: 15

1-9- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 22، ص 485

2-10- همان، ص 484

خواند، آن‌ها گفتند: از مسائل دنیا برای ما نگوئید، اختلاف افکنی نکنید. نماز را خراب کردند. اخلاقی که برای حفظ شخصیت، صاحب اخلاق دین را زیر پا می‌گذارد چه اخلاقی است؟ روح شهوت پرستی است، این اخلاق نیست. به اسم اخلاق، ظاهر اخلاق است ولی می‌خواهد دین را خراب کند.

گفت: دعوا بد است، زشت است، مردم چه می‌گویند، می‌گویند پدر زن و داماد پیامبر دعوا کردند. یک تشییع جنازه‌ی بزرگ، یک مکان خوب بگیرد، همه بیایند شرکت کنند، همه در ثواب آن شریک باشند.

علم داری فاطمه سلام الله علیها در مسئله‌ی ولایت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه می‌توانست بفرماید نمی‌خواهم، می‌توانست بفرماید باشد. هیچ کدام را نفرمود، فرمود: «أَمَرْتِي سَيِّدَةُ النِّسَاءِ بِسِتْرِ أَمْرِهَا»، فاطمه‌ی زهرا دستور داده نه. عجیب است، فاطمه دستور داده نه، علم داری با زهرا اطهر است، او را تهدید می‌کنند، تا زمانی که او زنده است امیر المؤمنین بیعت نمی‌کند، علی جان دستورات او را اطاعت کن، فاطمه دستور داده امر مخفی باشد. اصلاً طرف دعوا حضرت زهرا سلام الله علیها است، برای این که وقتی می‌خواهند بروند از او عیادت کنند، در افکار عمومی بگویند بالاخره آشتی کردیم، حضرت آن‌ها را راه نمی‌دهد. امیر المؤمنین علیه السلام را واسطه می‌کنند، یعنی حضرت زهرا عقب نشینی نمی‌کند امیر المؤمنین را واسطه می‌کنند. یعنی کسی که طرف دعوا است زهرا اطهر است، از این موارد زیاد است. کسی که طرف دعوا است زهرا اطهر است.

امیر المؤمنین واسطه شد آن‌ها به خانه آمدند. زهرا اطهر سلام الله علیها روی خود را به سمت آن‌ها نکرد، این‌ها این طرف نشستند حضرت روی مبارک خود را برگرداند، جا به جا شدند روی مبارک خود را برگرداند، مرتبه‌ی

سوم توان جسمی ایشان این قدر اواخر تحلیل رفته بود سر مبارک خود را نمی توانست تکان بدهد. به خادم خود اشاره کردند: «حَوْلَن وَجْهِي»، (1) سر من را برگردانید. یعنی این رو روی بهشت است، این پنجره ی بهشت است، این را به سمت دشمن علی نمی کنم.

کسی که مقابل ایستاده، کسی که درگیری اصلی را ایجاد کرده حضرت زهرا سلام الله علیها است. به ذهن می رسد کأنَّ حضرت زهرا امام است. بنده یک تحلیلی از این موضوع داشتم، بعد یک روایتی از صدیقه ی طاهره دیدم همان تحلیلی که به ذهن من رسیده بود خود حضرت فرموده بود. به جای این که تحلیل خود را بگویم عین روایت حضرت زهرا سلام الله علیها را عرض می کنم. روایت را مختصر می کنم.

وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند «كَانَتْ فَاطِمَةُ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ»، (2) زهرا ی اطهر سلام الله علیها دائماً به زیارت قبور شهدای احد می رفت. «وَأَتَانِي قَبْرَ حَمْزَةَ»، سر قبر حمزه ی سید الشهداء می رفت، دائماً، «كَانَتْ... تَأْتِي»، «وَأَتَانِي هُنَاكَ»، و آن جا گریه می کرد. بعد سؤال می کردند چرا می فرمود فراق پدر؟ مدام به ما می گویند بیت الأحران سیاسی بود، خود روایت می گوید بیت الأحران چه بود. بی بی اگر برای فراق پدر می خواهید گریه کنید از خانه ی شما تا مسجد پیغمبر، محلّ قبر مطهر رسول خدا راه زیادی نیست، به آن جا بروید گریه کنید اگر برای پدر شما است، چرا سر قبر حمزه ی سید الشهداء و شهدای احد می روید؟ دور است. صدیقه ی طاهره قبل از هجوم باردار است، بعد از هجوم جانبا ز است، شرایط سخت است، چرا به آن جا می روید؟ آن جا سقف ندارد، زیر تیغ آفتاب است، به

ص: 17

1-11- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 43، ص 203

2-12- کفایه الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص 198

مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله تشریف ببرید. چرا حضرت به آن جا می رود؟

حضرت می خواهند بگویند اگر این شهدا بودند وضع این طور نمی شد، اگر حمزه بود وضع این طور نمی شد. جای خالی حمزه را حس کنم، برای همین برای فراق پدر بالای سر حمزه می آیم گریه می کنم. همان که امیر المؤمنین علیه السلام هم فرمود اگر حمزه عموی من یا برادر من جعفر بودند من این طور غریب نمی شدم.

بالاخره امام حسین علیه السلام در کربلا 70 تا 100 یار بیشتر ندارد، ولی تا زمانی که این ها هستند نوبت به بچه ها ی اهل بیت نمی رسد، نوبت به علی اکبر سلام الله علیه نمی رسد، ابدأ نوبت به زینب کبری نمی رسد. امیر المؤمنین علیه السلام آن قدر یار ندارد که فاطمه ی زهرا باید به میدان بیاید، جای خالی حمزه کاملاً حس می شود. جعفر هم که دورتر بود در جنگ موته شهید شده بود. راوی می گوید: گفتم بی بی اگر پیغمبر امامت امیر المؤمنین را فرموده بود که شما می فرمایید فرموده... حضرت زهرا سلام الله علیها قسم خورد که فرموده، فرمود: به خدا سوگند از پدرم در مورد امیر المؤمنین شنیدم که «وَهُوَ الْإِمَامُ بَعْدِي»، امام بعد از من علی بن ابی طالب است.

همین سؤال ما، از حضرت زهرا سلام الله علیها سؤال کرد، هزار و 50 سال پیش در کتاب خزائن قمی آمده، شاگرد شیخ صدوق است. می گوید گفت: بی بی چرا خود علی بن ابی طالب به میدان نیامد از خود دفاع کند؟ چرا علم داری با شما شده است؟ یک جوابی داد که این روایت را... یک روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله خواند که شما می بینید زهرای

اطهر سلام الله علیها با تمام وجود به آن عمل کرده است. سؤال راوی این بود، گفت: چرا علی به میدان نیامد از خود دفاع کند، کنار کشید؟ چرا شما جلوداری می کنید؟ فرمود: از پدرم شنیدم «مَثَلُ عَلِيٍّ كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ»، اگر من علمداری می کنم چون پیغمبر فرمود باید دور علی بگردم، تا من هستم نمی گذارم علی جلو بیاید. اگر هیچ کس نباشد یک فاطمه ای هست که از او حفاظت کند.

این علم داری علامت علو صدیقه ی طاهره نیست، این علم داری علامت فدایی بودن او است. آن کسی که با عالم اگر می خواست صحبت کند، انبیا و ملائکه ی خدا باید آرزو می کردند با او صحبت کنند، بین نامحرم ها رفت از امیر المؤمنین دفاع کند.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

